

کشف ذهن  
جلد سوم

# فروید، آدلر و یونگ

والتر کوفمان

ترجمہی  
فریدالدین رادمہر



سر حسنہ

## فهرست

۹	مقدمه‌ی مترجم فارسی
۱۵	مقدمه بر نسخه‌ی احرائی
۶۷	مقدمه
۷۳	بخش اول فروید و علم تعزلی او
۲۶۹	بخش دوم گُستِ آدلر ار فروید
۴۰۹	بخش سوم کشف دهنِ یونگ
۵۵۳	بخش چهارم یونگ و پاسخ به ایوب
۵۸۷	بخش پنجم دهن و نقاب
۶۴۳	کتاب‌شناسی

## مقدمه

۱- هیچ‌احدی به اندازه‌ی فروید به کشف دهس یاری نکرده است اما در عین حال باید به بعد از او بزرگ‌ترین نام‌های روان‌شناسی و یونگ، فروید هم‌راهِ رفته بود، کوشیدند به تدریج از وی پیش‌تر روند، اما آهسته و ناآگاهانه به این نتیجه رسیده‌ام که ایشان بیش از آن‌که ما را به معرفت ما از خود و دیگران یاری دهند، مانع آن بزرگ‌ترین شگفتا که آدلر و یونگ به فقط درک درستی از خود و معرفت خویش نداشتند بلکه تصویری از فروید ارائه دادند که بیشتر به کاریکاتور شبیه بود

امروزه فروید واقعی در دل همه‌ی افسانه‌ها سمبلیکس تیره‌وتار دارد او را عمدتاً متفکری حرمی می‌شناسند که شاگردانی را که حرمت داشتند با وی مخالفت کند طرد و تکفیر کرد به علاوه، نارها و نارها او را چونان اندیشمندی محل اعتبار قرار داده‌اند که ریشه در ماتریالیسم تقلیل‌گرای قرن سوزدهم داشت دیگران باور دارند سررشته‌ی تفکرات وی را بی‌شک باید در شهری حس و حواس کرد که در اوایل قرن بیستم در آن می‌ریست وین

این افسانه‌ها و افسانه‌های دیگر از این نوع در کتاب حاضر جایی ندارند و فروید و مساعدت‌های وی را به گونه‌ای بس متفاوت نشان خواهد داد این کتاب، پیش از آن‌که به آدلر و یونگ بپردازد تا قرابت‌حیددی از شخصیت و ریشه‌های این دو عرضه دارد، با شخصیت و افکار این مرد سروکار دارد

الته این فقط در روان‌شناسی نیست که سروصدای بسیار اصل فسه را در خود حقه کرده است همین نکته دقیقاً در سایر حوزه‌های معرفتی بر مصداق دارد که شامل فلسفه، ادبیات، تاریخ و نقد ادبی نیز می‌شود در حقیقت، در برخی صوابط مدرسی و آکادمیک شاید فقط کار حرفه‌ای مد نظر است و نه طیب حصفت افکار فروید و آدلر و یونگ در صفحات پیش رو، نه طور انتقادی ارزیابی خواهند شد و من دلیل حواهم آورد که برخی نظریات فروید و نیز روان‌درمانی‌ای که او وسط و گسترش داد شاید اندکی کهنه به نظر آیند، اما به‌رحال او مساعدت عظیمی فراهم آورد که می‌تواند فاش گفته شود او کوشید در عمل نشان دهد چه امری سب ارتقا یا مانع کشف ذهن می‌شود و این می‌تواند به درک ما از خود و دیگران یاری رساند

۳- جبری که بیش از هر چیز دیگر مرا به نوشتن این اثر و داشتن سومس بُعد است اگر حواهم چگونگی کشف ادهان دیگران را نشان دهیم هیچ راهی بهتر از این نیست که آن را در معدودی موارد نشان دهیم و این همانی است که در این جا قصد دارم انجام دهم همان‌طور که واضح و روشن است رویه و روش من - نکل ناسک فروید و حتا یونگ و آدلر تفاوت دارد من فرویدی بیستم و بی‌شک معنی به مکتب یونگ و آدلر ندارم

به جای آن‌که به دفاع از روش خویش برحیرم، در مسطوق و اصل متن<sup>۱</sup> عوطه می‌ریزم به این امید که تصاویری که این سه تن از مساعدت‌های‌شان در کشف ذهن ارائه می‌دهند حکایت از خود ایشان دارد اگر این گزارش حدید در نظر من از آنی به نظر آید که من می‌پندارم، ایک این سؤال مطرح می‌شود که چگونه در کجا فرصیه‌های من از موضوع تحقیق من تفاوت می‌یابند؟ این پرسش در آخر فصل این کتاب محل بحث قرار خواهد گرفت

از نظر اهل تحقیق، تحریبِ خطاهای وسیعاً مشترک می‌تواند در خود حاتمه یابد، بیشتر بدان سبب که گاهی تمامی افسون‌های موثر را دارند اصولاً همان‌طور که تمامی سرخ‌ها گردآوری می‌شوند، تصویری کاملاً حدید طاهر می‌شود و عاقبت از این‌که حکایتی درست به دست آمده است رصایت‌مدی به دست می‌آید بطاره بر این واقعیت که فروید، آدلر و یونگ از مسحورکننده‌ترین شخصیت‌های رمانه بودند سی شورانگیر است به‌خصوص کشف آن‌چه واقعاً شهبش بودند، این‌که چگونه ادهان‌شان کار می‌کرد، چه‌سان بر یکدیگر تاحتند و اسباب آشوب هم را فراهم ساختند و عاقبت آن‌که نه چه سبب از هم جدا افتادند اسناد مستشرشده‌ی احیر بطیر مکاتبات فروید، نامه‌های یونگ و گزارش‌های مدرح در خلاصه‌ی مذاکرات احمر روان‌کاوان شهر وین، حملگی به ما فرصتی می‌دهد تا نگریم چه‌سان این کتب به‌ظاهر محققانه چیری حر اسانه‌های ناطل روح بدادند و من هدفم آن است که به ثت درست وقایع دست یارم

۲- به‌رحال این بُعد تاریخی فقط یک حسه از چیری است که در پی خواهد آمد چرا نگذاریم مُرده‌ها را دفن کند<sup>۱</sup>؟ چرا باید رحمت بر خود هموار کنیم و نه سراع سه تن از روان‌شناسانی رویم که چندین دهه قبل می‌ریستند و نه ربا آلمانی می‌نوشتند، درحالی‌که هرازان روان‌شناس ایک به ربا‌های متفاوت می‌بویسد؟

یک دلیل برای آن‌که ناید در وصف این سه تن مطلب نوشتن آن اسب که کتاب‌های فراوانی که امروزه روان‌شناسان می‌نویسند بسار تخصصی هستند. درحالی‌که مساعدت فروید نه روان‌کاوی همور می‌تواند به ما یاری رساند و اگر آن‌ها را درست به کار بندیم، به درک بهتری از خود و دیگران نایل حواهم گشت

۱ اساره‌ی ملجی به گفهی حصرت مسح (ع) اسب «دنگری از ساگردان مسح بدوگفت خداوند، اول مرا رحصت ده تا ربه‌بدر خود را دفن کنم، عسی وی را گف مرا مانعت کن و نگذار که مردگان، مردگان خود را دفن کند» انجل می، ناب ۰،۸، آنه‌ی ۲۲ - م

۵- می‌دانم که از سر حواصِدِ مقاله‌ی ریاضی‌گفته، «درباره‌ی طسعت»<sup>۱</sup>، در یک درس‌گزارِ عمومی، کوتاه‌رمانی قبل از فارغ‌التحصیلی‌ام بود که مرا بر آن داشت داروسازی بحواصِم

این قطعه‌ی فوق در شرح حال مختصری که فروید از خود به سال ۱۹۲۵ نوشت حتمه می‌یابد<sup>۲</sup> مدت‌ها قبل، در کتاب تعبیر رویاها (۱۹۰۰)، فروید به «مقاله‌ی ریاضی‌گفته» ارجاع داد که «قطعه‌ی شعری در این مقاله و در درس‌گفتار عمومی بود که رمانی که پس از فارغ‌التحصیلی مردم مرا به تحصیل در علوم طبیعی وا داشت»<sup>۳</sup>

خبراً محققى به این نتیجه رسیده است که مقاله‌ی مربور در واقع نوشته‌ی گفته نیست، بلکه نوشته‌ی گئورگ کریستوف توبلر<sup>۴</sup> است<sup>۵</sup>، اما رمانی که این مقاله در سنین کهن‌سالی‌گفته به وی نشان دادند و پرسیدند که آیا او این را نوشته است، پاسخ داد که نا اطمینان چنین چیزی را به خاطر نمی‌آورد اما

1 Ode of Nature

حصری‌آمار، ج ۱۴، ص ۳۴

حصری‌آمار، ج ۲/۳، صص ۴۴۳ و ۱۹۰۰ ص ۲۵۴

4 Georg Christoph Tobler

سوی‌نژاد، نگریه به سحی هامورگ از مجموعه‌ی آثار گوبه، ج ۸، ح ۳، ۱۹۶۰.

سوی‌نژاد، ج ۸

می‌توانسته آن را نوشته باشد (عین کلمات خود وی در بخش دوم مورد مذاقه قرار خواهد گرفت)؛ در عین حال، مجموعه‌ی آثار وی در این مقاله نیز درج شد؛ است یکی از کسانی که شرح احوال و زندگی‌گفته را نوشته می‌گوید گوته‌ی حوآن بطراتِ خویش را درباره‌ی طبیعت «به نحوی شاعرانه و به سبکِ تعرلی در اشعار و عربیات و سر‌مباحث خویش» توصیف کرده است. تونلر، یک حوآن‌سنوسی که برای سیاحت به وایمار رفته، فقره‌ای از چنین مباحثاتی را نقل کرده است: «درباره‌ی طبیعت»<sup>۱</sup> به رورگار فریاد «طبیعت» به طور دقیق اعتبار خویش را از نام گوته حاصل کرده بود و البته این نکته شایان ذکر است که وی زمانی که دست به انتحاب رشته‌ی تحصیلی خویش زد شخصاً می‌اندیشید که در پی گوته ره می‌سپارد فقط این نبود، بلکه او می‌خواست حوآن‌دگان آثارش را نکتته را نداند گوته که دانشمند و در عین حال شاعری ربر دست بود کاشف یک قانون ریست‌شناسی (یعنی استحوان میان‌آرورده‌ای<sup>۲</sup>) نیز بود و البته درباره‌ی دگر‌دیدی‌ی نباتات کتابی نوشت سوای این همه، او فاتح حوره‌ی متمایز و غیربیوتی از مفهوم علم به شمار می‌رفت<sup>۳</sup>

این حقیقت که فریاد به گوته عشق می‌ورزید و در حوآن‌دگانی آثار وی غریب‌ثابت داشت شاید بر حمله‌ی آنان که به مطالعه‌ی آثار فریاد می‌پردازند سبب روش و واضح باشد فریاد بارها و در مواضع گوناگون از گوته نقل قول می‌کند به فقط صفحات عدیده‌ای از کتاب تعسر رویاها که بیش از صدها موضع از مجموعه‌ی آثارش شاهد این مدعا است کانت، نقض گوته، و نوتس که برای کانت و بسیاری از شیفتگان‌ش بی‌چون و چرا دانشمندی محصص به شمار می‌رفت برای فریاد هیچ‌جا و مرلی نداشتند کانت در چند موضع از آثار وی یاد می‌کند و از نوس بر تنها در یک مورد، آن هم به طور گذرا، ذکری به میان می‌آید. سبک فوق‌العاده‌ی فریاد را باید از این منظر دید. نمی‌توان آن را به

۱ فریدسال، گوبه، ۱۹۶۵، ص ۲۸۰

axillary bone

۳ بگرید به بخش ۲، صص ۱۱ به بعد از بخش مجلد اس سه گانه

ستود هیچ‌یک از مردان علم چس نویسنده‌ی بزرگی نبوده‌اند آن‌گاه که مردم سبک فریاد را می‌ستودند، چندان مسرور نبود زیرا تمجید و تعریف عموماً شمشیر دوله است. از یک سو او را دانشمند محسوب می‌کنند و به گونه‌ی دیگری در قبال روان‌شناسی وی مقاومت می‌نمایند، درست شبیه به وقتی که در تمجید بیچه می‌گویند او یک صاحب‌سبک بزرگ است، و این یعنی بر آن‌اند که هر کس خوب می‌نویسد نمی‌تواند فیلسوفی بزرگ یا دانشمندی واقعی باشد.

سبک فریاد، مانند سبک بیچه، ناسبک و سباق دانش‌آموختگان مؤسسات دانشگاهی آلمانی بسیار متفاوت بود این سبک، که باعث تحریک بسیار شدیدی در عشق به ادبیات و روشی تفکر بود، اما هم‌تراز با آثار فیلسوفان بزرگی نمی‌تواند تلقی نگشت و بیچه یک استثنا بوده است مع‌هذا، بشر فریاد سبکی است که تر و شکسار از بشر بیچه بود و در نتیجه، با طول و تفصیل فراوانش، در سطحی تر از بشر او بود بیچه می‌توانست تفکری را تا حد ممکن به نحوی سبک و ساده به قاعده و قانون درآورد، اما در پی‌اش، با ارایه‌ی نقیص آن، بر طراوت و شگفتی‌اش بیفزاید و ما را به فقط با بیان یک رشته‌ی تفکرات فلسفی و پرسش‌های محجرب و انگشت‌به‌دهان سارد، بلکه موقعیت ما و افرو بر این، موقعیت بشر را لحاظ کند طرافت طبع و دکاوت بیچه سرکش بود و از مهار شدن در این حوزه‌ی که فریاد همیشه توانایی داشت از حسن شوح طبعی و ملاحظت‌های فریاد برای مقاصد و مآرب خویش بهره یابد.

در این فصل فقرات و گفته‌های بسیاری از فریاد نقل خواهم کرد، به سبک و سیاق وی معلوم آید و ترجمه‌ی آن را منتقل سارد، بلکه در این سبک ساده که نمی‌توانم چیزی را که او گفته است بهتر از وی در نظر به سایر نویسندگان که به لطف سبک و سیاق‌شان شهرت بیشتری دارند، دست‌کم می‌توان دلایلی فراهم آورد و برخی نکات را روشن ساخت. بی‌شک می‌توانیم بگوییم که فریاد حداد است تکلف و آرایش کلامی در آن دور است از هر بوکیسگان<sup>۱</sup> اهل وین که می‌خواستند نویسنده

1 fin-de siècle